

شأنیت زوج یا زوجه در پرداخت نفقه در فقه امامیه



مرتضی ولی آبادی^۱

غلامرضا یزدانی^۲

* چکیده

یکی از مهم‌ترین حقوق مالی زوج از منظر فقه و حقوق ایران، نفقه می‌باشد که برخلاف سایر حقوق مالی، در طول زندگی زناشویی و همچنین بعد از انحلال آن جریان دارد. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین برای همه امورات زندگی بشر برنامه مشخصی دارد. یکی از بنیان‌هایی که در بین همه جوامع وجود دارد و اتفاقاً در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است، بنیان خانواده است. قوام بنیان خانواده به عوامل مختلفی بستگی دارد. برخی از محققین و کارشناسان و دین پژوهان، وجود و اعمال برخی دستورات مالی مثل وجوب نفقه زوجه برای زوج را از جمله همین عوامل شمرده‌اند. در وجوب نفقه زن بر مرد، تقریباً اختلافی وجود ندارد؛ اما در اینکه در زمان پرداخت نفقه، باید حال و شأنیت کدام یک از طرفین را در نظر گرفت، محل اختلاف نظر در بین فقها و حقوقدانان شده است. در این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است، تلاش بر این شده که اولاً آرای فقها در این خصوص جمع‌آوری و دسته‌بندی و همچنین معیار در نحوه پرداخت نفقه مشخص شود که نهایتاً با توجه به ادله موجود و نظریات مطرح شده، برخلاف نظر مشهور فقها که قائل به توجه به وضعیت و شأن زوج می‌باشند و همچنین برخلاف نظر برخی از اجلاء، همچون شیخ طوسی که قائل به در نظر گرفتن وضعیت و حال زوج می‌باشند، این نتیجه بدست آمد که در پرداخت نفقه باید وضعیت زوج و زوجه توأمان در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: نفقه، شأن، عرف، معسر.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

۱. طلبه سطح دو و سه رشته تخصصی فقه و حقوق مدرسه علمیه عالی نواب، مشهد-ایران. m_valiabad@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد-ایران. dr.ghyazdani@razavi.ac.ir

* مقدمه

خانواده، پایه اولیه زندگی جمعی است و قانونمند بودن و سلامت آن نقش مهمی در تأمین سلامت، ثبات و تعالی جامعه دارد؛ لذا در تمام ادیان به ویژه دین مبین اسلام، به عنوان کانونی مهم مورد توجه قرار گرفته است (نیازی - رضائی، ۱۳۹۵). یکی از متداول ترین و کاربردی ترین موضوعات در نظام حقوق خانواده، نفقه است که بخشی از روابط مالی زوجین را به خود اختصاص داده و یکی از نتایج زندگی مشترک زوجین می باشد که از دیرباز تاکنون مورد توجه جامعه شناسان، حقوق دانان، علماء علوم انسانی و اسلامی قرار گرفته و زوج با توجه به شرایط مالی، فردی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... مکلف به تأمین آن نسبت به همسر خود می باشد (صفایی تخته فولادی - خداحمی، ۱۴۰۲).

زن قبل از امپراطوری ساسانی از شخصیت حقوقی بهره مند نبود و به طور کلی دارای حقوقی نبود و اگرچه تحت سرپرستی و قیمومیت رئیس خانواده بود ولی از نظر انفاق هیچ گونه حق بر شوهر نداشت؛ البته وضعیت زن در ایران دارای فراز و نشیب بوده و بعدها اوضاع رو به بهبود قرار گرفت و زن پاره ای حقوق مالی پیدا نمود.

با ظهور اسلام و تعلیمات عالیّه آن، مردان متوجه شدند که دیگر زن وسیله لذت مرد نیست؛ بلکه موجود زیبا و ظریفی است که هدیه الهی بوده و باید به وی احترام بگذارند. دختر مسلمان در ازدواج آزاد و مخیر است و به او حق داده شده که پس از ازدواج در قبال ابراز صمیمیت و وفاداری به شوهر خود، حمایت مالی و پرداخت نفقه اش را توقع داشته باشد. بدین ترتیب وظیفه مهمی که در دوران زناشویی متوجه مرد است، همان وظیفه انفاق و تکفل معیشت زن و اولاد است. بدیهی است که دین مبین اسلام، ضعف و لطافت طبیعی زن و نیرومندی و خشونت فطری مرد را مورد ملاحظه قرار داده و زنان را از تأدیه مخارج ضروری خانواده معاف نموده؛ زیرا دین اسلام بر این عقیده استوار است که مکلف نمودن زن به شرکت در تهیه مایحتاج زندگی مستلزم آن است که زن از کارهای اختصاصی خود نظیر بارداری، وضع حمل، پرورش کودکان و انتظام امور خانه باز بماند، بدین جهت زنان را از شرکت در پرداخت هزینه های زندگی معاف کرده و نفقه او را بر عهده مرد گذارده است (افضلی گروه، ۱۴۰۰).

نفقه زوجه یک تکلیف مالی است که همه فقهای اسلامی و حقوق دانان ایران در اصل نفقه اتفاق نظر دارند و یکی از بزرگ ترین و مهم ترین امتیازات زوجه بود و در قبال انجام وظایف شرعی و قانونی زوجه بعد از

نکاح است که زوج متعهد به پرداخت آن می‌شود و البته عدم پرداخت آن نیز یکی از عوامل موثر در فروپاشی کانون خانواده محسوب می‌گردد (همان).

* پیشنهاد تحقیق

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، افرادی چند تحقیقاتی انجام داده‌اند که برخی از این تحقیقات در پاره‌ای از موارد با پژوهش حاضر مشترکاتی دارند. در این خصوص، افراد زیر تحقیقاتی انجام داده‌اند:

دهقان و اکبریان در «تحلیل تاریخی نقش شیخ طوسی در عرفی شدن نفقه» به نقد نظر شیخ طوسی در پرداخت نفقه پرداخته‌اند که در خلال نقد نظر ایشان، به جوانبی از مسائل مطرح شده در مورد پرداخت نفقه نیز اشاره کرده‌اند.

مصطفی‌افضلی گروه در «آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه» پس از بیان مفهوم نفقه در فقه و حقوق ایران و بیان رابطه مالی بین زوج و زوجه، به این نتیجه رسیده است که باید قانون ایران نسبت به نفقه زوجه و تناسب آن با نیازهای جدید او تغییراتی داشته باشد.

قدرت‌الله نیازی و علی‌رمضانی در «معیار نفقه زوجه» در تحقیق به بیان اقوال موجود در این مسئله پرداخته و نهایتاً به این نتیجه رسیده‌اند که باید شأن زوج را ملاک قرار داد.

محمد رضا صفایی و منوچهر خدارهمی در «بررسی معیار پرداخت نفقه در زندگی زناشویی براساس آیات و قرائن روایی» بعد از بیان ادله موجود در موضوع مسئله و بدون بیان اقوال موجود در مسئله، نتیجه گرفته‌اند که باید وضعیت زوج را ملاک قرار داد.

البته مقالات متعدد دیگری هر کدام به نوعی به موضوع تحقیق حاضر پرداخته‌اند که برای پرهیز از اطاله در نوشتار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

* بیان مسئله

همانطور که در مقدمه بیان شد، با توجه به اهمیت کانون خانواده و مسائل متعلق به آن از جمله نکاح و طلاق و ... در نگاه اسلام، بررسی مسائل مختلف مرتبط با خانواده از نگاه اسلام همیشه مورد اهتمام فقها عظام بوده است. یکی از مواردی که از دیرباز مورد توجه فقها بوده است و در حال حاضر علاوه بر آن از

زویای دیگری هم بررسی می کنند و همچنین از نظر حقوق دانان نیز بسیار توجه شده است، مسائل مربوط به نفقه ای می باشد که در حق زوج به نفع زوجه واجب گردیده است.

مسائل مرتبط با نفقه به طور کلی عبارتند از: وجوب یا عدم وجوب نفقه زوجه در حق زوج، میزان نفقه ای که زوج با فرض وجوب نفقه باید در حق زوجه پرداخت کند، نحوه و کیفیت پرداخت نفقه هم در زمان زندگی مشترک بین زوجین و هم در زمان طلاق و بعد از آن.

یکی از مسائل اختلافی در ارتباط با نفقه این است که علی فرض وجوب نفقه و علی فرض اینکه میزان نفقه مشخص باشد یا نباشد، در زمان پرداخت، باید نفقه متناسب با وضعیت و شأنیت کدام یک از زوجین باشد؟ بنابراین سوال اصلی تحقیق حاضر این است که در زمان پرداخت نفقه، وضعیت و حال و شأن زوج باید در نظر گرفته شود یا زوجه؟ البته در این خصوص سوالات فرعی نیز می تواند مطرح شود که برخی از این سوالات خود موضوع مستقل برای تحقیق و پژوهش می تواند باشد؛ مثل اینکه اصلاً آیا نفقه زوجه بر زوج واجب است یا مستحب یا مستحب موکد؟ همچنین بر فرض اینکه نفقه زوجه بر زوج واجب باشد، مقدار نفقه چقدر است؟ آیا میزان نفقه در شرع مشخص شده است یا خیر؟ اگر مشخص شده است، این میزان چقدر است؟

در تحقیق حاضر، جواب برخی از سوالات مذکور، فرض شده است با آن که خود موضوع مستقلاً برای پژوهش می باشند؛ مثلاً به عنوان پیش فرض و البته با توجه به نظر مشهور فقها امامیه، نفقه زوجه بر زوج واجب در نظر گرفته شده است؛ اما در تحقیق حاضر، دو مسئله همزمان با هم بررسی شده اند: اولاً: آیا میزان نفقه واجب معین و مشخص شده است؟ و اگر مشخص شده است، مقدار آن چقدر است؟ و ملاک در تعیین این مقدار چیست؟ ثانیاً: هم در فرض مشخص بودن مقدار نفقه و هم در فرضی که مقدار نفقه مشخص و معین نباشد، در زمان پرداخت نفقه از جانب زوج، باید وضعیت و حال زوج در نظر گرفته شود یا باید حال و وضعیت زوجه مورد توجه قرار بگیرد؟

۱. تعریف مصطلحات

۱-۱. نفقه

دومین تکلیف مالی که بر عهده زوج قرار داده شده است، تکلیف به پرداخت نفقه است. نفقه اسم

مصدر از فعل اتفاق می‌باشد و شامل خوردنی، پوشیدنی و محل زندگی یا کاشانه زن می‌گردد. نفقه مزبور، وفق ماده ۱۱۰۶ ق.م به عهده شوهر است و از جمله قواعد امری محسوب شده، یعنی حکم شرعی می‌باشد؛ لذا در ضمن عقد، شرط خلاف آن (شرط عدم پرداخت نفقه توسط زوج) نمی‌توان نمود و اصولاً ولایت مرد در خانواده نتیجه همین وظیفه پرداخت نفقه است؛ یعنی از آنجایی که مرد نفقه می‌پردازد، حق اعمال ولایت نیز دارد.

نفقه، مخصوص عقد دائم است (ماده ۱۱۰۶) و در عقد موقت در صورتی که در ضمن عقد شرط شده باشد یا عقد مبتنیاً بر آن واقع شده باشد، زن مستحق نفقه می‌گردد (ماده ۱۱۱۳). برخی از کلمه «مخصوص» در ماده فوق استنباط نموده‌اند که حتی با شرط نیز نمی‌توان در عقد موقت نفقه را بر شوهر الزام آور نمود و به نوعی مخصوص بودن نفقه برای عقد دائم را قاعده امری تلقی کرده‌اند؛ ولی به نظر ما این قاعده امری نیست و شرط اتفاق در عقد موقت ایرادی ندارد. به هر حال همان‌طور که گذشت، چه در ازدواج منقطع و چه در دائم، پرداخت نفقه توسط مرد، منوط به تمکین زوجه می‌باشد؛ یعنی از نظر شرعی به صورت یک واجب مشروط، به ذمه مرد تعلق گرفته است (صفایی - امامی، ۱۳۱۳، ص ۱۳۵-۱۴۰).

۲-۱. شأنیت

شأن در لغت به معنای جایگاه، موقعیت، قدر و مرتبه آورده شده است (نیازی، رضائی، ۱۳۹۵). شأن به معنی منزلت و مرتبت اجتماعی و فردی هرانسانی است و در فقه در ابوابی چون زکات و نکاح و غیره بحث شده است. مراد از شأن، مقام و منزلت خانوادگی و اجتماعی انسان است که در شرع مقدس بدان توجه ویژه شده است. شأن در اصطلاح فقهی هم به صورت کلی به همان معنای لغوی است؛ اما در هریابی از فقه متناسب با مبحثی که در آن مطرح می‌شود، قسم خاصی از کار یا حالت مد نظر است (فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۰). در بحث ما مراد شأن مالی و مادی است که در مباحثی چون خمس، نفقه و ... به کار می‌رود و معیار تشخیص آن هم عرف است؛ بنابراین شأن هر کدام از زوجین، یعنی جایگاه و موقعیت مالی او در جامعه می‌باشد.

۳-۱. عرف

عرف در لغت به معنای معروف مقابل منکر به کار رفته است (لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۶). عرف به مجموعه عادات، رفتارها و باورهای گفته می‌شود که صرف نظر از درستی یا نادرستی آن‌ها از سوی افراد یک

جامعه پذیرفته می شود. عرف روش خاصی است که افراد در مسئله معینی پیروی می کنند، بدون آنکه در قانون ذکری از آن رفته باشد. عرف قانون نانوشته است.

۱-۴. معسر

از ریشه «ع س ر» بوده و در لغت به معنای درویش، تنگ دست، نیازمند و در مقابل موسر آمده است (دهخدا، ذیل واژه معسر) و در اصطلاح به فردی گفته می شود که به دلیل عدم دسترسی به مال خود یا به دلیل ناکارآمدی یا هر دلیل دیگری، قادر به پرداخت دیون خود نباشد.

۲. فلسفه وجودی نفقه

در باب فلسفه تشریع نفقه مطالبی عنوان شده است که ما به نقل از مرحوم شهید مطهری تعدادی از آنها را می آوریم. ایشان در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» در توجیه تحمل این وظیفه بر عهده مرد می گوید: «مسئولیت رنج و زحمات طاقت فرسای تولید نسل از لحاظ طبیعت، بر عهده زن گذاشته شده است و اینها از نیروی زن کاسته و توانایی او را در کسب و کار کاهش می دهد» (مطهری، ۱۳۵۲، ص ۲۳۲). «زن و مرد از لحاظ نیروی کار مشابه و مساوی آفریده نشده اند. عموماً توانایی های مرد برای کارهای اقتصادی و تولیدی به خصوص کارهای طاقت فرسای بدنی بیشتر است» (همان، ص ۲۳۳). «احتیاج زن به پول و ثروت بیشتر از احتیاج مرد است؛ زیرا تحمل وزینت، جزء زندگی زن و از احتیاجات اصلی او محسوب می شود؛ به همین دلیل عده ای از فقها، هزینه آرایش زن را نیز جزء نفقه دانسته اند؛ درحالی که مردان عموماً از این جهت هزینه های کمتری را مصرف می نمایند» (همان، ص ۲۳۳). «باقی ماندن جمال و نشاط و غرور در زن، مستلزم آسایش بیشتر و تلاش کمتر است؛ بعلاوه سلامت و نشاط زن و رسیدگی وی به امور داخل منزل و تربیت اطفال برای مرد نیز ارزش فراوان دارد و این مسئله خود سبب آسایش و راحتی مرد را نیز فراهم می نماید» (همان، ص ۲۳۴).

۳. ادله وجوب نفقه

همانطور که بیان شد، همه مباحث تحقیق حاضر بر مبنای این است که نفقه زوجه بر زوج واجب باشد. اگر نفقه بر زوج واجب نباشد، دیگر الزامی برای پرداخت نفقه نیست تا بررسی شود که در پرداخت نفقه باید حال و شأن زوج در نظر گرفته شود یا حال و شأن زوجه؟ با توجه به این که نوعاً دلایل پرداخت نفقه، همان دلایل اثبات وجوب نفقه می باشد؛ بنابراین در این قسمت از پژوهش اجمالاً دلایل وجوب نفقه را مورد نقد و

بررسی قرار می‌دهیم:

۳-۱. آیات

برای وجوب نفقه به آیات متعددی اشاره شده است که دلالت برخی از این آیات صراحت بیشتری دارد و دلالت برخی دیگر، ضعیف‌تر است.

۱. «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۳).

۱.۱. شیخ طوسی: «مولود له» موجود در این آیه را به معنای زوج در نظر گرفته است و با توجه به ادامه آیه که نفقه و لباس را در حق او واجب کرده است؛ لذا وجوب نفقه را بر زوج نتیجه گرفته است.

۲. «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (طلاق/۷).

۳. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء/۳۴).

۱.۳. شیخ طوسی: مرحوم شیخ طوسی در ذیل این آیه از دو عبارت این آیه وجوب نفقه زوج توسط زوج را نتیجه گرفته است:

۲.۳. «قوامون»: ایشان معنای کلمه «قوام» را نسبت به غیر به معنای متکفل امورات غیر اعم از نفقه و لباس و... در نظر گرفته است.

۳.۳. «وبما انفقوا من اموالهم»: ایشان این فراز را نیز به معنای «انفقوا علیهن من اموالهم» در نظر گرفته‌اند. به عبارتی در معنای این عبارت، «علیهن» در تقدیر گرفته شده است؛ لذا با این تقدیر، معنای وجوب نفقه را برداشت کرده‌اند.

۴. «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹).

۵. «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَشْرِيعٌ بِإِحْسَانٍ» (بقره/۲۲۹).

۶. «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا» (نساء/۳).

۳-۲. روایات

اما در باب وجوب نفقه زوجه بر زوج، اخبار متعددی وارد شده است که اهم آنها عبارتند از:

۱. وقال الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «وَمَنْ قُدِرَ» (طلاق/۷) إلى آخره: «إن أنفق على ما يقيم ظهرها مع كسوة، وإلا فَرَّقَ بينهما» (حرعالمی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۵۰۹، باب نفقات، ح ۱).

۲. والباقر عليه السلام في خبر أبي بصير: «من كانت عنده امرأة فلم يكسها ما يورثها ولم يطعمها ما

یقیم صلبها كان حقاً على الإمام أن يفرّق بينهما» (همان، ح ۲).

۳. وسئل أبو عبد الله عليه السلام: عن حق المرأة على زوجها قال: «يشبع بطنها، ويكسو جنبها، وإذا جهلت غفر لها» (همان، ص ۵۱۰، ح ۳).

۴. وفي خبر عنبسة عنه عليه السلام أيضاً: «إذا كساها ما يوارى عورتها ويطعمها ما يقيم صلبها أقامت معه، وإلا طلقها» (همان، ح ۴).

۵. إلى غير ذلك من النصوص (همان، ج ۲۱، ص ۵۰۹، باب نفقات) التي هي فوق حد التواتر.

۶. منها ما روى: «أن هند امرأة أبي سفيان جاءت إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقالت: إن أبا سفيان شحيح لا يعطيني ما يكفيني وولدي إلا ما أخذ منه سرّاً وهو لا يعلم فهل عليّ من ذلك شيء؟ فقال: «خذى ما يكفيك وولدك بالمعروف» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۳۱).

۳-۳. اجماع

۴. تعیین ملاک در پرداخت نفقه

در این بخش بعد از بیان اجمالی ادله وجوب نفقه، به دنبال پاسخ به سوال اصلی تحقیق حاضر هستیم که عبارت باشد از اینکه علی فرض اینکه نفقه زوجه بر زوج واجب باشد، زمان پرداخت نفقه، ملاک برای پرداخت نفقه چیست؟ آیا در زمان پرداخت نفقه، باید وضعیت و حال زوجه در نظر گرفته شود یا اینکه باید به وضعیت و حال زوج التفات نمود؟ اینها خود فرع بر این است که مقدار نفقه معین باشد یا نباشد؛ چون اگر میزان نفقه معین باشد، دیگر حال زوج یا زوجه ملاک نیست؛ البته در همین فرض هم برخی تفصیلاتی قائل شده‌اند که در ادامه به آن می‌پردازیم؛ لذا در ادامه اقوالی که در خصوص پرداخت نفقه مطرح می‌باشد با ذکر قائلین و همچنین ادله آنها، بیان خواهد شد.

بطور کلی در خصوص پرداخت نفقه در بین فقها امامیه، ۷ دیدگاه وجود دارد.

۴-۱. نظریه توقف

عده‌ای از فقها عظام در خصوص پرداخت نفقه یا نسبت به اصل موضوع نفقه، اعم از وجوب یا عدم وجوب آن و پرداخت نفقه و این که در زمان پرداخت نفقه شأن و وضعیت کدام یک از طرفین باید در نظر گرفته شود، سکوت کرده‌اند و نظری نداده‌اند؛ لذا از آن‌ها به کسانی که قائل به توقف در موضوع نفقه شده‌اند یاد می‌شود. از جمله کسانی که در این خصوص نظر خود را ابراز نکرده‌اند می‌توان به شیخ مفید،

سید مرتضی، شیخ طوسی در نه‌ایه، ابن ادریس، علامه در نه‌ایه الأحکام، صیمری، فاضل مقداد، سید علی طباطبائی (صاحب ریاض)، سید مجاهد و آیت الله خویی نام برد.

۴-۲. لزوم پرداخت معین نفقه

تعداد معدودی از فقها در مقابل نظر مشهور قائل به مشخص بودن و معین بودن میزان نفقه شده‌اند. قائلین این گروه که در رأس آنها شیخ طوسی می‌باشد، قائل به این شده‌اند که علاوه بر این که نفقه زوجه بر زوج واجب می‌باشد؛ همچنین میزان این نفقه نیز مشخص و معین است.

۱. شیخ طوسی در کتاب خلاف خود میزان را در نفقه، معین و مشخص به مقدار یک مُد اعلام می‌کند؛ البته ایشان در مورد نحوه پرداخت نفقه و اینکه ملاک حال زوج است یا زوجه در این کتاب مطلبی را بیان نمی‌کند. ایشان برای وجوب نفقه در حق زوج و میزان آن، ادعای اجماع کرده است.

اشکال: اما نسبت به ادعای اجماع ایشان، برخی از فقها اشکالات و نقدهایی وارد کرده‌اند، از جمله:

۲.۱. ابن ادریس:

ایشان در کلام خود به شدت بر شیخ طوسی تاخته و معتقد است که شیخ طوسی ادعای بلا دلیل کرده است؛ زیرا ما دلیل شرعی برای تعیین میزان نفقه نداریم.

۳.۱. محقق حلی:

ایشان نیز با توجه به اطلاعات موجود در آیات و روایات، مرجع تعیین نفقه را عرف بیان می‌کند. به همان دلیل که در مواردی که شارع دلیل برای این چنین موضوعی بیان نکرده است، محکم‌ترین مرجع، عرف است.

۳.۱. علامه حلی: علامه در کتاب مختلف الشیعه خود که اقوال را بیان می‌کند، در آنجا در رد ادعای

شیخ می‌فرماید:

۱.۳.۱. در اخبار ما، خبری که در آن مقدار نفقه مشخص شده باشد، وجود ندارد. در بین اصحاب هم اگر کسی قائل به تعیین نفقه شده، از مقلدان و تابعان شیخ بوده است.

۲.۳.۱. مهم‌ترین دلیل برای اصل مسئله، یعنی وجوب نفقه، آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره می‌باشد: «و عاشروهن بالمعروف».

۳.۳.۱. همچنین اصل در این مسئله برائت ذمه است.

۴.۳.۱. بر این مدعای شیخ هیچ دلیلی نه در کتاب و نه در سنت و نه اجماعی وجود ندارد.

۴.۱. شهید ثانی:

ایشان در مسالک در شرح بر شرائع، بعد از اختیار کردن نظر محقق حلی، مبنی بر معلوم نبودن میزان نفقه، دلیل شیخ طوسی بر معلوم بودن نفقه (که به میزان یک مدّ عنوان شده) را، برگرفته از میزان کفاره که یک مدّ برای فقیر در نظر گرفته شده است، عنوان می‌کند. همچنین ایشان تعیین میزان نفقه را با وجود اینکه دلیل شرعی بر این امر نداریم، نوعی تخمین و قیاس بیان کرده است.

۵.۱. صاحب ریاض: ایشان دلیل شیخ طوسی را غیر واضح می‌دانند.

۶.۱. فاضل هندی: ایشان در ردّ تعیین مقدار نفقه به ادله‌ای اشاره می‌کند:

۱.۶.۱. اصل بر عدم است؛ یعنی در جایی که شک داریم میزان نفقه معین است یا نیست، اصل بر این، نامعلوم بودن است.

۲.۶.۱. اطلاق موجود در آیات و روایات.

۳.۶.۱. «وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹).

۳.۶.۱. «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۳).

۴.۶.۱. خبر اسحاق بن عمار: سأل الصادق عليه السلام عن حق المرأة على زوجها، قال: يشبع بطنها ويكسو جثتها (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵، ص ۲۳۳، باب نفقات، ح ۳).

۵.۶.۱. خبر شهاب بن عبد ربّه: سأله عليه السلام عن ذلك، فقال: يسدّ جوعتها ويستر عورتها، ولا يقبّح لها وجهها، وإذا فعل ذلك فقد -والله- أذى حقها (همان، ج ۱۵، ص ۲۳۳، باب نفقات، ح ۱).

۶.۶.۱. نصوص موجود در روایات

۲. کیدری در اصباح الشیعه میزان معین برای نفقه را منوط به موسر بودن زوج دانسته است و در این حالت میزان نفقه را دو مدّ از غالب قوت اهل همان بلد عنوان کرده است. البته در همین میزان معین برای نفقه نیز تفصیلاتی قائل شده است با این بیان که برای زوج در حالتی که از لحاظ تمکن مالی متوسط و پایین‌تر از موسر باشد، یک مدّ و نیم و همچنین برای حالتی که از لحاظ مالی از این میزان پایین‌تر باشد، یک

مَدّ تعیین کرده است؛ البته ایشان در حالتی که زوجه به لحاظ تمکن مالی در وضعیت اعسار قرار داشته باشد، معیار و ملاک در پرداخت نفقه را وضعیت زوج در نظر گرفته است که می‌توان این حالت را در گروهی که ملاک را بدون اینکه میزان نفقه را معین کرده باشند، وضعیت زوج در نظر گرفته‌اند، جای داد؛ البته با توجه به تفصیلاتی که ایشان قائل شده است، به نظر این می‌رسد که ایشان را از قائلین به معین بودن میزان نفقه به حساب آوریم.

۳-۴. ملاک وضعیت مالی زوج باشد

۱. ابن براج:

از بین فقها امامیه، تنها ابن براج در کتاب المذهب خود، صراحتاً بیان می‌کند که در پرداخت نفقه، ملاک حال زوج است. این در حالی است که احدی از علماء امامیه در مورد پرداخت نفقه، ملاک را حال زوج معرفی نکرده‌اند.

۲. شافعی:

در کتاب خلاف شیخ طوسی در بین علماء عامه، شافعی نیز در پرداخت نفقه، قائل به این نظر شده است که باید ملاک را حال زوج در نظر گرفت.

۴-۴. معین بودن نفقه و توجه به وضعیت مالی زوج

۱. شیخ طوسی: ظاهر کلام شیخ طوسی در المبسوط این است که ایشان در پرداخت نفقه، ملاک را حال زوج در نظر گرفته است؛ همچنین ایشان برای نفقه مقدار معینی را بیان می‌فرماید. فی الواقع ایشان با توجه به حال زوج، مقادیر نفقه را معین کرده است. ایشان وضعیت زوج را در سه دسته کلی تقسیم کرده است و برای هر یک مقدار نفقه‌ای که زوج باید به زوجه بپردازد را بیان فرموده است:

۲.۱. موسر: اگر زوج به لحاظ مالی موسر باشد، در این صورت میزان نفقه دو مَدّ می‌باشد.

۲.۱. متوسط: اگر زوج از لحاظ مالی متوسط باشد، یعنی از موسر یک درجه پایین‌تر و از معسر یک درجه بالاتر باشد، در این صورت میزان نفقه، یک مَدّ و نیم می‌باشد.

۳.۱. معسر: اگر زوج به لحاظ مالی، معسر باشد، در این صورت باید به میزان یک مَدّ نفقه بدهد. البته



ایشان در مورد خصوص گرفتن خادم برای زوجه، شأن و حال زوجه و همچنین در مصادیق نفقه، ملاک را وضعیت زنانی که در شهر زوجه و هم عصر با او هستند قرار می دهد. البته این ها هم بعد از در نظر گرفتن وضعیت زوج در ابتدای امر بود؛ یعنی در ابتدای امر وضعیت زوج در نظر گرفته می شود، به تناسب با وضعیت زوج، وضعیت زوجه نیز با توجه به زنانی که در بلاد و شهر زوجه و هم عصر اویند، نیز مورد توجه قرار می گیرد. ایشان برای این فتوای خود، دلیلی را ذکر نمی کنند اما برای وجوب نفقه، ادله ای را بیان می کنند از جمله:

- ۱.۳.۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء/۳۴).
- ۲.۳.۱. «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹).
- ۳.۳.۱. «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۳).

همانطور که ملاحظه می شود، ادله فوق بخشی از همان ادله ای است که در کتاب خلاف خود عنوان کرده بودند. در اینجا نیز به این ادله و به فتوای ایشان اشکال وارد شده است که از جمله می توان به بیان شهید ثانی اشاره کرد:

ایشان بیان می کند که این مقداری که برای نفقه بیان شده است، از میزانی که در شرع برای کفارات بیان شده است، برگرفته شده است. ایشان در نقد کلام شیخ طوسی در خلاف نیز همین نظر را داشتند، با این تفاوت که شیخ طوسی در خلاف مقدار نفقه را یک مد اعلام کرده بود اما اینجا شیخ قائل به تفصیل شده است. شهید ثانی دلیل شیخ را یکی می داند و آن اینکه شیخ طوسی ناظر به مقداری که در باب کفارات بیان شده است، فتوا داده است؛ با توجه به اینکه در برخی روایات، مقدار کفاره دو مد بیان شده است؛ لذا شیخ طوسی در جمع بین این دسته از روایات و روایاتی که کفاره را یک مد بیان می کنند، قائل به این تفصیل شده است.

۲. ابن براج:

همانطور که در سطور قبل بیان شد، ابن براج از دسته علمایی است که صراحتاً حال زوج را ملاک در پرداخت نفقه می داند؛ اما ایشان در ادامه در کتاب المذهب خود، به نوعی تفصیلی ترین نظریه را بیان می کند. ایشان بعد از در نظر گرفتن حال زوج به عنوان ملاک در

پرداخت نفقه، مقدار و میزان نفقه را نیز مشخص می‌کند. ایشان برای نفقه همان تفصیلی که شیخ در المبسوط بیان کرده را عنوان می‌کند؛ اما ایشان به همین مقدار از تفصیل اکتفا نمی‌کند و در مصادیق پرداخت نفقه مثل خوراک، پوشاک، مسکن، استخدام خادم و... برای همین مقادیر معینه نفقه، ملاک را حال زوجة البته با در نظر گرفتن زن‌های معاصر یا زوجة بیان می‌کند.

اشکال نگارنده به این دیدگاه: بالاخره مشخص نیست که ملاک حال زوج است یا زوجة؟ اگر ملاک حال زوج باشد و مقدار نفقه هم مشخص باشد، چطور می‌توان حال زوجة را هم ملاک قرار داد؟ به عنوان مثال، زوج اگر موسر باشد، باید طبق فتوای ایشان دو مد طعام بدهد؛ حال در زمان پرداخت نفقه، طبق فتوای ایشان باید حال زوجة نیز در نظر گرفته شود و اگر شأن و حال زوجة به نحوی باشد که اقتضای بیش از دو مد را داشته باشد، تکلیف چیست؟ آیا باید همان دو مد را داد یا بیشتر از دو مد؟

به نظر این طور می‌رسد که ایشان خواسته‌اند برای نفقه با توجه به حال زوج، یک حداکثری بیان کنند که میزان نفقه‌ای که به زوجة تعلق می‌گیرد از آن میزان تجاوز نکند و برای این تفصیل هیچ دلیلی نداریم.

۴-۵. ملاک وضعیت مالی زوجة باشد

فاضل هندی:

از میان فقها امامیه تنها جناب فاضل هندی در کتاب کشف اللثام خود در شرح بر قواعد الاحکام علامه ره، به این مطلب اشاره کرده و ایشان بعد از رد نظر قائلین به معین بودن مقدار نفقه، قائل به این نظر شده است که در زمان پرداخت نفقه، باید حال زوجة را ملاک قرار داد.

۴-۶. ملاک شأن نوعی زوجة و زنانی معاصراو

در بین دیدگاه‌های مختلفی که در خصوص پرداخت نفقه وجود دارد، این دیدگاه که در زمان پرداخت نفقه، باید وضعیت زنانی که معاصر زوجة می‌باشند (مکانا و زمانا)، در نظر گرفته شود، بیشترین قائل را دارد و لذا از آن به نظر مشهور تعبیر می‌شود. تعداد زیادی از فقها امامیه به این نظر متمایل شده‌اند که اولاً میزان

و مقدار نفقه مشخص نیست؛ ثانیاً در زمان پرداخت نفقه باید نوع زنائی که در شهر و بلاد و هم عصر زوجه می باشند، در نظر گرفته شوند. عده ای از فقها برای بیان معین نبودن میزان و مقدار نفقه (برخلاف قائلین به مقدر بودن نفقه) ادله ای نیز بیان کرده اند، به عنوان مثال:

۴-۶-۱. اطلاعات موجود در آیات و اشارات موجود در روایات

شهید ثانی:

اطلاق اوامر موجود در خصوص نفقه مطلق هستند؛ لذا برای تعیین میزان نفقه به عرف رجوع می شود؛ چون به نظر ایشان در مثل این مواردی که شارع میزانی بیان نکرده است، رجوع به عرف محکم ترین دلیل است.

اشاره به عرف در کتاب: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۳).

اشاره به عرف در سنت: قال النبی للمراة: «خذی ما یکفیک و ولدک بالمعروف»؛ لذا ایشان معتقد است با توجه به این دلایل و سایر دلایل، میزانی برای نفقه مشخص نشده است و نهایت اینکه این میزان به عرف واگذار شده است.

محقق سبزواری:

محقق سبزواری در کفایه الاحکام بعد از بیان وجوب نفقه و به دلیل اینکه خطاب در وجوب نفقه مطلق می باشد، قائل به تعیین میزان و ملاک نفقه به دست عرف شده اند؛ یعنی ملاک در مقدار و کیفیت پرداخت نفقه، همانطور که مشهور نیز همین نظر را دارند (به نظر ایشان)، عرف می باشد. ایشان بعد از بیان اقوالی در این خصوص از جمله نظر شیخ در مبسوط و در خلاف و همچنین نظر ابن ادریس در سرائر، نهایتاً نظر ابن ادریس مبنی بر اینکه وجوب نفقه بدون در نظر گرفتن مقدار معین و همچنین در نظر گرفتن حال زنائی که در زمان و مکان زوجه زندگی می کنند را اقوی می داند. ایشان نیز برای اثبات

مدعای خویش به همین اطلاعات موجود در آیات و اشارات موجود در روایات اشاره کرده‌اند: اطلاقی که موجود در آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء: «وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و همچنین آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» است.

اصل اولیه معلوم نبودن میزان نفقه است:

صاحب جواهر:

جناب صاحب جواهر در جواهر الکلام خود برای نامعلوم بودن میزان نفقه، بعد از استناد به اطلاقات موجود در آیات بیان می‌کند که اصل اولیه در پرداخت نفقه نامعلوم بودن نفقه است؛ به عبارتی اصل، بر عدم تعیین میزان و مقدار نفقه است و برای تعیین آن باید دلیل اقامه شود و چون دلیلی بر این موضوع نداریم؛ لذا نمی‌توان برای نفقه مقدار مشخصی را معین کرد.

اما در خلال فتاوای قائلین به این نظریه، به تناوب دیده می‌شود که بعد از اینکه نظر به نامعین بودن نفقه داده‌اند، برای پرداخت نفقه و این که قائل به در نظر گرفتن حال زوجه شده‌اند، پرداخت نفقه را به عرف احاله داده‌اند. در ادامه نظر تعدادی از فقها که عرف را ملاک و معیار در نظر گرفته‌اند، بیان می‌شود:

شهید ثانی:

باتوجه به اینکه اوامر موجود در خصوص نفقه، مطلق هستند؛ لذا برای تعیین میزان نفقه به عرف مراجعه می‌شود و در مثل این چنین مواردی که شارع میزان و مقدار را معین نکرده است، عرف می‌تواند محکم‌ترین دلیل باشد؛ همچنین با مراجعه به آیات از جمله آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره و همچنین برخی روایات مانند روایت «خدی ما یکفیک و ولدک بالمعروف» مشخص می‌شود در خصوص تعیین میزان نفقه و همچنین پرداخت نفقه، عرف ملاک می‌باشد.

ملا محسن فیض کاشانی:

ایشان در برداشت از آیه «و عاشروهن بالمعروف»، بیان داشته‌اند که از لفظ «معروف» مطابقت نفقه با عرف زنانی که در بلاد و شهر زوجه زندگی می‌کنند، برداشت می‌شود.

محقق سبزواری:

محقق سبزواری در کفایه الاحکام بعد از بیان وجوب نفقه و به دلیل اینکه خطاب در وجوب نفقه مطلق می‌باشد، قائل به تعیین میزان و ملاک نفقه به دست عرف شده‌اند؛ یعنی ملاک در مقدار و کیفیت پرداخت نفقه، همانطور که مشهور نیز همین نظر را دارند (به نظر ایشان)، عرف می‌باشد.

محمد رضا گلپایگانی:

ایشان در تعلیقه بر وسیله النجاة، ظاهراً کلام صاحب الوسيله (سید ابوالحسن اصفهانی) را پذیرفته‌اند مبنی بر این که ملاک در پرداخت نفقه، در نظر گرفتن وضعیت زنانی است که در شهر و بلاد زوجه زندگی می‌کنند و شبیه او می‌باشند؛ لذا ایشان در پرداخت نفقه، قائل به این هستند که باید عرف زنانی که در شهر و بلاد زوجه زندگی می‌کنند لحاظ شود.

ممکن است در این جا این سوال پیش بیاید که با توجه به اینکه فقها عظام در نظر گرفتن عرف را مطرح کرده‌اند، حال ملاک تعیین خود عرف چیست؟ به عبارتی مراد کدام عرف است؟ همانطور که در خلال نظریات علما در سطور گذشته بیان شد، مراد از عرف، عرف زنانی است که معاصر زوجه بوده و در شهر و بلاد زوجه زندگی می‌کنند؛ اما در تعیین همین عرف نیز خیلی واضح و مشخص نیست؛ لذا در این خصوص هم برخی علماء مطالبی را عنوان کرده‌اند؛ به عنوان مثال:

شهید ثانی:

در شرح بر شرائع محقق حلی می‌فرماید: اگر عرف و عادت (که در قسمت قبلی به عنوان ملاک بیان شد) به راحتی قابل دستیابی نباشد، به آن عرف یا به مواردی که اغلب را تشکیل می‌دهند کفایت می‌کنیم؛ اگر اغلب هم قابل تشخیص نباشد، در این صورت آنچه که مناسب و شایسته زوج است، ملاک قرار می‌گیرد؛ یعنی در این حالت، ملاک، به نوعی حال زوج می‌شود.

محمد رضا گلپایگانی:

ایشان ضمن بیان عرف به عنوان ملاک در پرداختن نفقه می‌فرماید: «در تعیین عرف ممکن است اختلاف پیش بیاید، ایشان در این موارد اختلافی که برای عرف مصادیق مختلفی بیان می‌شود، میزان متوسط در عرف از لحاظ شأنی و زمانی و مکانی در نظر گرفته می‌شود».

۴-۷. ملاک وضعیت زوج و زوجه توأمان

یکی دیگر از نظریات موجود در پرداخت نفقه این است که در زمان پرداخت نفقه، حال زوج و زوجه توأمان در نظر گرفته شود؛ البته این حالت، یعنی در نظر گرفتن حال زوجین حین پرداخت نفقه، قبلاً در خلال سایر دیدگاه‌ها نیز به نوعی مطرح شده بود؛ اما نکته‌ای که در آن موارد مطرح است، نوعاً مربوط به زمانی بود که مثلاً در ابتدای امر باید وضعیت زوج ملاک قرار می‌گرفت، بعد در صورتی که زوج مثلاً معسر بود یا به هر دلیلی نمی‌توانست نفقه لازم را بپردازد، در آن صورت باید حال زوج نیز رعایت می‌شد یا بنا به برخی دیدگاه‌ها که در ابتدا باید وضعیت زوج مورد توجه قرار می‌گرفت. در برخی حالت‌ها مثل گرفتن خادم برای زوج یا برخی امورات دیگر، علی‌رغم اینکه در اصل، ملاک وضعیت زوج بود؛ اما در خصوص این موارد باید مراعات حال زوج نیز می‌شد.

اما بنا به دیدگاه حاضر، ظاهراً در زمان پرداخت نفقه، وضعیت زوج و زوجه همزمان لحاظ می‌شود. در این خصوص تنها نظری که وجود دارد، منسوب به ابن سعید حلی است. ایشان در کتاب الزهدة الناظر بعد

از اینکه در خصوص میزان نفقه و پرداخت نفقه و... سکوت می کند و نظر خود را بیان نمی کند؛ اما در ادامه در جایی که زوج و زوجه قصد جدایی از هم را دارند، در آن جا ایشان بیان می کند که در پرداخت نفقه در این زمان، باید هم حال زوج در نظر گرفته شود و هم حال زوجه!

ممکن است اشکال شود که نظر ایشان ناظر به بحث طلاق و... می باشد و از ما نحن فیه خارج است. در پاسخ می توان اینچنین گفت که: کسانی که در خصوص نفقه اظهار نظر کرده اند، قائل به تفصیل و فرق بین زمان طلاق و قبل آن نشده اند؛ یعنی اگر قائل به هر نظری در مورد نفقه اعم از میزان آن و نحوه کیفیت آن باشند، همان نظر را در مورد نفقه در زمان طلاق نیز دارند؛ بنابراین می توان نظر ایشان که به زمان طلاق مربوط می شود را به طور کلی در مورد نفقه تسری داد.

باتوجه به توضیحاتی که در ابتدای این دیدگاه بیان شد، در این که هم زمان هم حال زوج و هم حال زوجه در نظر گرفته شود، قدری ابهام وجود دارد؛ لذا باتوجه به ابهام در کلام ایشان، می توان برای نظر ایشان یک قدر متیقنی در نظر گرفت؛ با این بیان که قدر متیقن از رعایت همزمان حال زوج و زوجه، این است که زوج موسر باشد و زوجه نیز شأنیت دریافت نفقه را داشته باشد.

* نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن همه دیدگاه‌ها که هر کدام نقاط ضعف و قوتی دارند به این نتیجه می‌رسیم که آنچه که از اطلاق آیات برداشت می‌شود این است که در پرداخت نفقه، باید عرف در نظر گرفته شود؛ البته همین عرف هم اطلاق دارد و هم شامل زوج و هم زوجه می‌شود؛ همچنین با در نظر گرفتن نصوص موجود در روایات می‌توان این روایات را به صورت قضیه خارجی در نظر گرفت؛ لذا با این تفسیر از روایات، می‌توان قاعده اصلی در نوع، میزان و پرداخت نفقه، عرف در نظر گرفت؛ لذا روایاتی که صراحتهاً در آنها به بیان مصادیق از نفقه پرداخته و در برخی از آنها صراحتاً بیان شده که حال زوجه باید در نظر گرفته شود، می‌توان این طور تفسیر کرد که این روایات در مقام بیان مقدار نفقه نبوده‌اند و تنها در مقام بیان اصل خوراک و پوشاک بوده‌اند؛ لذا جمع بندی نهایی در این تحقیق این است که نفقه زوجه بر زوج واجب است و برای تعیین نوع و مصادیق نفقه باید به عرف زمان و مکانی رجوع شود و حال نوعی زنان معاصر زوجه در نظر گرفته شود؛ اما همه موارد مذکور به علاوه مقدار و نحوه پرداخت آنها، تابع وضعیت و حال زوج می‌باشد؛ یعنی بسته به موسر بودن یا معسر بودن زوج، وضعیت زوجه، ملاک تعیین نوع و مقدار و نحوه پرداخت نفقه (البته با نگاه عرفی به قضیه) می‌باشد.

* فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور، (۱۴۱۰ ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم - ایران: انتشارات اسماعیلیان.
۲. ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، (۱۴۰۶ ق)، *المهذب*، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ ق)، *مجموعه فتاوی ابن الجنید*، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن زهره، حمزه بن علی، (۱۴۱۷ ق)، *غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع*، قم - ایران: موسسه امام صادق علیه السلام.
۵. ابن سعید، یحیی بن احمد، *نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه والنظائر*، بی تا، نجف اشرف - عراق: انتشارات مطبعة الآداب.
۶. اراکی، محمد علی، (۱۳۷۷ ش)، *کتاب النکاح* (اراکی)، قم - ایران: انتشارات نورنگار.
۷. اصفهانی، ابوالحسن، (۱۳۹۲ ش)، *وسيلة النجاة* (امام)، قم - ایران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. اصفهانی، ابوالحسن، (۱۳۹۳ ق)، *وسيلة النجاة* (گلپایگانی)، قم - ایران: انتشارات مهر استوار.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ ق)، *کتاب النکاح*، قم - ایران: مجمع الفکر اسلام، کمیته تحقیق تراث شیخ انصاری.
۱۰. آبی، حسن بن ابی طالب، (۱۴۰۸ ق)، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، موسسه نشر اسلامی.
۱۱. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۳۶۳ ش)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. بروجردی، حسین، (۱۳۸۸ ش)، *استفتائات* (بروجردی)، قم - ایران: موسسه آیت الله العظمی بروجردی.
۱۳. بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین (قطب الدین)، (۱۳۷۴ ش)، *إصباح الشيعة بمصباح الشريعة*، قم - ایران: موسسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. تبریزی، جواد، (۱۳۹۱ ش)، *صراط النجاة* (تبریزی)، قم - ایران: انتشارات دار الصدیقة الشهيدة.
۱۵. حائری، عبد الکریم، (۱۳۹۱ ش)، *استفتائات* (حائری یزدی)، قم - ایران: انتشارات زائر.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ ق)، *تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، قم - ایران: موسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۱۷. حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد، (۱۴۱۹ ق)، *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۸. خمینی، روح الله، (۱۳۹۲ ش)، استفتائات (امام)، قم - ایران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۹. خمینی، روح الله، (۱۳۹۲ ش)، تحریر الوسیله، قم - ایران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۰. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ ق)، منهاج الصالحین (خوئی)، قم - ایران: انتشارات مدینه العلم، آیت الله العظمی.
۲۱. دکتر صفایی و دکتر حسن امامی، (۱۳۱۳)، مختصر حقوق خانواده، چاپ بیست و هفتم، تهران - ایران: نشر میزان.
۲۲. ذهنی تهرانی، محمد جواد، (۱۳۷۳ ش)، عناوین الأحکام، قم - ایران: انتشارات وجدانی.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۳۰ ق)، موسوعة شهید اول، قم - ایران: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزه العلمیه.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم - ایران: مکتبه الداوری.
۲۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ ق)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، قم - ایران: موسسه معارف اسلامیة.
۲۶. صمیری، مفلح بن حسن، (۱۴۲۰ ق)، غایة المرام فی شرح الشرائع الإسلام، بیروت - لبنان: انتشارات دار المهادی.
۲۷. صنراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵ ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم - ایران: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۸. طباطبائی کربلایی، علی بن محمد علی، (۱۳۶۸ ش)، شرح الصغیر فی شرح المختصر النافع، قم - ایران: دفتر آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۹. طباطبائی کربلایی، علی بن محمد علی، (۱۴۱۸ ق)، ریاض السائل، قم - ایران: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۰. طباطبائی، محمد بن علی (آیت الله مجاهد)، المناهل، بی تا، قم - ایران: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران - ایران: مکتبه المرتضویه.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ ق)، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت - لبنان: در کتاب العربی.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، الخلاف، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۷۴ ش)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ ق)، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ ق)، نهایة الإحکام فی معرفة الأحکام، قم - ایران: انتشارات اسماعیلیان.

۳۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق)، قواعد الأحکام، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۸. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ ق)، تذکرة الفقهاء، قم - ایران: موسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۳۹. علم الهدی، علی بن الحسین، (۱۴۱۵ ق)، الانتصار، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۴ ق)، التفتیح الرائع لمختصر الشرائع، قم - ایران: دفتر آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۱. فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ ق)، کشف اللثام عن قواعد الأحکام، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. فخر المحققین، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق)، ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، قم - ایران: انتشارات اسماعیلیان.
۴۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (ملا محسن)، (۱۳۹۵ ش)، مفاتیح الشرائع، تهران - ایران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۴۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۴۵. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، یک دوره فقه کامل فارسی، بی تا، تهران - ایران: انتشارات فراهانی.
۴۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۶۴ ش)، المعتبر فی شرح المختصر، قم - ایران: موسسه سیدالشهداء.
۴۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۷۶ ش)، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، قم - ایران: انتشارات مطبوعات دینی.
۴۸. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم - ایران: انتشارات اسماعیلیان.
۴۹. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن، (۱۳۸۱ ش)، کفایة الفقه، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۰. محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم - ایران: موسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۵۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۲)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۲. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، المقنعه، قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۳. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح الإرشاد الأذهان، قم - ایران: جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ ق)، *کتاب النکاح*، قم - ایران: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.

۵۵. میرزای قمی، ابولقاسم بن محمد حسن، (۱۳۷۱ ش)، *جامع الشتات*، قم - ایران: انتشارات کیهان.

۵۶. نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن بن باقر، (۱۴۲۱ ق)، *جواهر الکلام*، قم - ایران: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

* مقالات

۵۷. دهقان، مجید، اکبریان، حسنعلی، (بهار تابستان ۱۳۹۷)، «تحلیل تاریخی نقش شیخ طوسی در عرفی شدن نفقه»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی فقه مقارن*، شماره ۱۱، ص ۲۸ - ۵.

۵۸. صفایی تخته فولادی، میرزا محمدرضا، خدارحمی، منوچهر، (بهار و تابستان ۱۴۰۲)، «بررسی معیار پرداخت نفقه در زندگی زناشویی بر اساس آیات و قرائن روایی»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، شماره هجدهم، ص ۱ - ۲۶.

۵۹. مصطفی افضلی گروه، (۱۴۰۰ ش)، «آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه»، *دوفصلنامه تمدن حقوقی*، دوره ۴، شماره ۸، ص ۲۷۹ - ۲۶۸.

۶۰. نیازی، قدرت الله، رمضان، علی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «معیار نفقه زوجه»، *نشریه فقه و حقوق خانواده*، شماره ۶۵، ص ۱ - ۱۷.



Journal of New Jurisprudential–Legal Teachings

Vol.1, No.1, Spring and Summer 2026

Research Article

The Determinative Role of Spousal Social Standing (Shan’iyyah) in the Assessment of Maintenance (Nafaqah) within Imami Jurisprudence

Morteza Vali Abadi¹ 

Gholamreza Yazdani² 



* Abstract

Spousal maintenance (nafaqah) constitutes one of the most pivotal pecuniary rights of the wife under Imami jurisprudence and Iranian law. Unlike other financial entitlements, the obligation of maintenance persists throughout the subsistence of the marriage and, in specific instances, continues following its dissolution.

Islam as the most complete religion, has a clear program for all aspects of human life. One of the foundations that exists in all societies, and is actually of great importance in Islam, is the family foundation. The strength of the family foundation depends on various factors. Some scholars, experts, and religious scholars have counted the existence and implementation of certain financial orders, such as the obligation of a husband to provide for his wife, as one of these factors.

While the obligation of the husband to provide maintenance is a matter of jurisprudential consensus, the legal criterion for its quantification—specifically, whether the assessment should be benchmarked against the social standing (shan’iyyah) of the wife or the husband—remains a subject of profound scholarly contention. Adopting a descriptive-analytical methodology, this research categorizes existing jurisprudential discourses to identify the prevailing criteria for such assessments.

The findings indicate that contrary to the predominant view (mashhur) which prioritizes the wife’s status, and diverging from the stance of eminent jurists such as Shaykh al-Tusi who emphasize the husband’s condition, a more robust legal framework is achieved through a dualistic approach. This study substantiates that the assessment of maintenance must simultaneously account for the socio-economic status of the wife and the husband, thereby ensuring a balanced and equitable application of the law.

Keywords: Spousal Maintenance (Nafaqah); Social Standing/Status (Shan’iyyah); Customary Practice (‘Urf); Insolvency/Destitution (I’sar/Mu’sir); Imami Jurisprudence.

Date Received: November 5, 2025 (1404/08/14 SH)

Date Accepted: December 24, 2025 (1404/10/03 SH)

1. Seminary Student (Levels II and III), Specialized Program of Islamic Jurisprudence and Law, Nawab Higher Islamic Seminary, Mashhad, Iran.
Email: m_valiabadi@yahoo.com

2. Faculty Member, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.

Email: dr.ghyazdani@razavi.ac.ir